

سومین منبر محرم 1443؛ موضوع: رفتار شناسی شیعیان نسبت به واقعه عاشورا (در جمع مبلغان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين

خداوند بزرگ همه ما را از مبلغان دینش قرار دهد

وجود نازنین امام زمان را از هر گزندی مصون و محفوظ بدارد به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

در حادثه عاشورا وقتی سیر تاریخی آن را نگاه می کنیم مثلا 1300 سال سه رفتار ما با حادثه عاشورا داشتیم دوست دارم دوستان دقت کنند و این را موضوع یک کار تحقیقی قرار دهند.

با توجه به این که سال را از محرم یا ربیع الاول شروع کنیم کاری که در عربها هست راجع به حادثه عاشورا باید گفت یا سال 60 بوده یا 61 لذا از باب تردید نیست؛ به هر صورت وقتی واقع شد یک حادثه بزرگی بود؛ اهل بیت هم اصرار داشتند که این حادثه فراموش نشود؛ رفتارهای اهل بیت را کسی در این باره جمع آوری کند، مطلب جالبی در می آید....وقتی نگاه می کنیم سه رفتار عمده از نظر زمان با حادثه عاشورا شده، رفتار اول این بوده که عاشورا را یک واقعه احساسی تلقی کرده و حتی سخنرانی ها و کتابها جنبه احساسی دارد و آن قسمتی پررنگ شده که ضد عاطفه و احساس بوده است. مثلا مصیبت های کربلا پررنگ شده است. ستم ها و ناجوانمردی ها پررنگ شده است. لذا شما می بینید که مقاتل پشت سر هم نوشته می شود. بیشتر جنبه عاطفی و احساسی کربلا توجه شده است.

حتی شما در ایران نگاه می کنید می بینید از آل بویه که این ها اوائل قرن چهارم به این طرف و به خصوص از دوران صفویه به بعد که خیلی پررنگ است. جنبه احساسی عاشورا توجه شده است...یواش یواش قمه زنی می آید. و...به هر حال حادثه از جنبه احساسی نگاه می شود که یک طرف قضیه مظلومترین شخص عالم و یک طرف

هم ظالم ترین روبروی هم قرار می گیرند... خوداین نگاه را شما دقت کنید که با خودش چه به دنبال خواهد داشت.

در این نگاه حضرت علی اصغر بسیار پررنگ می شود. ابوالفضل العباس و دیگر شخصیت ها علیهم السلام.... تقریباً از یکی دو قرن اخیر مخصوصاً در دهه چهل به این طرف حادثه عاشورا یک جنبه دیگر هم پیدا کرد با حفظ جنبه قبل و آن جنبه حماسی قضیه بود... جنبه مبارزه با ظلم... به حادثه عاشورا و سخنرانی ها اضافه شد و سخنرانان به این قضیه خیلی پرداختند دهه پنجاه و شصت و مسائلی مثل مبارزه با ظلم؛ امر به معروف و نهی از منکر و پلشتی سازش و... به مباحث اضافه می شود. شعرهای دهه های چهل و پنجاه را با شعر محتشم که کرامتی است مقایسه کنید... مثلاً جنبه حماسی در شعر محتشم نیست؛ بنده سراغ ندارم اما شعرهایی که بعد از انقلاب در ایران یا دیگر مناطق در این باره گفته شده که مخصوص ایران هم نیست؛ تقریباً یک چیز جهانی بوده حدود صد سال است که مسائل مثل آزادی خواهی و... مطرح میشود، یک کیس هم حادثه عاشورا و آن جمله معروف گاندی است که باعث شد در هند انقلابی صورت بگیرد که گاندی گفته بود من قیام را از کربلا الهام گرفته ام. قیام گاندی یک قیام احساسی و عاطفی نبود! بیشتر مبارزه با ظلم و انگلیس بود به هر جهت این بعد اضافه شد، خود امام حسین علیه السلام هم در آن جمله معروف فرموده بودند: میخوام برای امر به معروف و نهی از منکر و اقامت حدود دین جدم قیام کنم... اما یک چندسالی است خیلی کم رنگ کم و بیش هست؛ جنبه اخلاقی - حقوقی حادثه عاشورا برخی دوستان ما دارند دنبال می کنند و کار می کنند. رسانه ملی هم دارد کار می کند دیده شده برخی کتابها یا مقالات کم و بیش خودشان را به این حادثه نزدیک کردند جنبه فقهی و اخلاقی حادثه عاشورا...

امام علیه السلام از جایی که حرکت می کنند از مدینه بیرون می آیند، و حضرت وصیت می کنند ما داریم تا مکه. منازل بین راه و خود حادثه محرم... رفتار حر با امام... و بعد جریانات سخنرانیهای زینب کبری و اشراف حجت مطلق و امام زمان (امام سجاد علیه السلام) خیلی چیزهای اخلاقی و رفتاری زیبایی مطرح است... مثلاً رفتارهایی

که امام دارند با طرف مقابل و رفتارهایی که آن طرف با امام و اهل بیت دارند. و جمله خالدی که امام علیه السلام روز عاشورا دارند، موسی بن عمیر انصاری می گوید: پدرم گفت که حضرت، فرمودند روز عاشورا است لا یقاتلنّ معی احد و علیه دین... با این که روز عاشورا است و یک نفر هم یک نفر هست با همه این احوال امام حسین علیه السلام می فرمایند کسی اگر دینی بر گردن دارد، نماند و جنگ نکنند (برود و دین خود را ادا کند) یا بحث نماز ظهر عاشورا پیش می آید که اهتمام به شریعت است؛ ببینید من و شما اینجا نشستیم و امنیت و آسایش یک موضوعی است و این که در میدان کارزار جنگ باشد و انسان توجه به نماز داشته باشد فرق دارد... این جهات هم جنبه فقهی دارد هم شرعی و هم بحث معرفتی بحث معارفی دارد این حیث حادثه عاشورا پررنگ نیست... شما که با فضای مجازی آشنایی دارید ببینید چند کتاب در این باره نوشته شده است. یا پایان نامه هایی یا سمینارهایی در این باره باشد، متأسفانه نیست... نتیجه این که هیچکدام از ابعاد عاشورا نباید تحت الشعاع بعد دیگر قرار گیرد. و نسبت به هر کدام کوتاهی شود دنب لا یغفر است.. مخصوصاً بعد سوم یعنی اگر بعد احساسی عاشورا را پررنگ کنیم کسی نمی گوید این ها اشکال دارد مگر این که بعد خرافی پیدا کند که قابل دفاع نیست... شاید تعبیر خرافه تعبیر زیبایی نباشد... می آید بعد انقلابی و مبارزه با ظلم... به هر حال این دو جنبه نباید سومی را تحت الشعاع قرار دهد اما این کار رخ داده شاید چون کار سخت تر بوده است. شاید به این دلیل که مردم به کارهای عاطفی و احساسی بیشتر رغبت نشان می دهند تا علمی و نظری.... شاید اگر بگویند سینه بزن، زنجیر بزن یا در مجالس شرکت کن؛ این کارها را شخص رعایت کند اما این که به او بگویند حق الله یا حق الناس را رعایت کن، برایش مشکل باشد.... این جریان یک مقدار به ما علما بر میگذرد یک مقداری هم به سنخ و جنس کار... یا به آسان بودن کار.

مثلاً عالمی که صرفاً بعد حماسی و احساسی عاشورا را می خواهد کار کند، آسان است کافی است صدایی داشته باشد و... اما روی بعد سوم بخواهد کار کند باید اهل مطالعه باشد و زمان بگذارد... باید قرآن و روایات و تاریخ را نگاه کند، کار سختی است. ولی آیا این ها باعث می شود که ما وظایفمان را تمام شده تلقی کنیم؟! بحث من روی

بعد سوم است کلیبی هست که کسی برای من فرستاده یک آقا سید روحانی هست، ظاهرا هم تازه درست شده مربوط به یکی از شهرهای آذربایجان هست؛ عنوان میکند شما که الان عزادارید الان وقت نماز است و من هم روحانی مسجد، بیایید نماز را با هم به جماعت بخوانیم... که بعد درگیری ها شروع می شود و فحش و ...ممکن است ما گوش کنیم ناراحت شویم اولاً چرا این طور شد؟! چرا به این جا کشیده شدیم؟! چرا مردم این طور شده اند؟! چرا این قدر عدم تحمل!! اینقدر بی ادبی!! این ها علل متعدد و مقصرانی دارد.... من این ها را کار ندارم؛ آن چه کار دارم این است که یک قسم عمده ریشه یابی این قضایا به من و شما بر میگردد، به گذشتگان ما و به اجداد و بزرگان ما... به این شکل که وقتی بُعد اولی قضیه ، پرننگ می شود، نهایت این است که بعد دوم را هم اضافه می کنیم.... اما بعد سوم یا گفته نمی شود یا زیاد روی آن بحث نمی شود.... اگر از همان دوران آل بویه یا صفویه یا قاجار که عزاداریها گسترده تر شد از همان زمان این بعد هم تاکید می شد، شاید شاهد این قضایا نبودیم... و به این شکل قضیه رقم می خورد که طرف وضو می گرفت و در این مجالس شرکت می کرد و همینکه وقت اذان می شد، اتوماتیک وار، به سمت مسجد و نماز حرکت می کرد.. چطور طبل زدن یا سینه زنی و یا... را جزء کار می دانند بحث نماز هم بایستی جزء کار تعریف می شد.... فقهای ما فتوا بدهند علمای ما بگویند، مبلغین ما بالای منابر اعلام کنند و هیات امنای مساجد روی این جریان تاکید کنند که نماز هم مثل بقیه ارکان عزاداری جزء اصول شرکت در هیأت شود..... اگر این طوری اتفاق افتاده بود و به این نقطه ایده آل رسیده بود که دعاها و نذاعهایی که گاه شاهدش هستیم اتفاق نمی افتاد....

به هر حال باید روی برخی مسائل کار کرد؛ سوال این است که بزرگواران در هر صورت ما نسبت به وقت خودمان مسئول هستیم یا نه؟

قرآن می فرماید: و قفوههم انهم مسئولون.... سوره صافات را ببینید؛ ذیل سوره صافات روایات را می بینیم... روز قیامت از دقیقه ، دقیقه عمر سوال می کنند... و من تعجبم از این که اگر بنده دو قطره از این لیوان را دور بریزم ، می گویند فلانی اسراف کرد؛ چرا آب را هدر داد؟! ولی اگر ساعتها وقتمان را هدر دهیم، خیلی حساس نیستیم... در

حالی که قبل از این که از مال سوال کنند، من این اکتسبه و انفقہ....سوال می کنند از عمر!! عن شبابه فیما ابلاه
...عن عمره فیما افناه....

مصیبت می دانید کی مضاعف می شود؟ وقتی وقت دیگران بیاید وسط؛ یعنی بنده محضر شما بیایم و نیم ساعت
صحبت کنم، پنجاه ساعت میشود در جمع صد نفر اما پنج دقیقه خروجی نداشته باشد...به این دلیل که خودم
کار نکرده باشم، وقت نگذاشته باشم؛ مطالعه نکرده باشم....روز قیامت از کسی پای منبر ما مبلغین آمده باشد
سوال می کنند که چرا فلان کار نکردی؟ در جواب می گوید : نمیدانستم با این که در مجالس زیاد شرکت کرده
بودم!! اما اگر مبلغی مطالب اساسی را بیان کرده باشد، راه عذر بسته است و در واقع قضاوت به نفع مبلغین می
شود و طرف مؤاخذه می شود....

جریان تبلیغ هم اهمیت خاص خود را دارد؛ به گونه ای که من به برخی رفقا می گویم : چرا ما نسبت به تبلیغ بی
توجهیم؟! فردای قیامت چه می خواهیم بگوییم؟!!

روز قیامت یک جوانی را می آورند و می گویند این کثافت کاریها چیست که در نامه عمل تو هست؟ می گوید: نمی
دانستم!!...می گویند: چرا نمی دانستی؟!...میگوید : آخوندها نگفته اند...نگاه می کنند این جوان متعلق به چه
سالی و شهری هست، علمای آن دوران و شهر را می آورند و مؤاخذه می کنند که چرا مطالب را نگفتید؟....

روی سخنم خطاب به مبلغین هست مخصوصا جوان ترها که سعی کنید برای منابر و سخنرانی ها مطالعه کنید و
وقت بگذارید...و در استناد به منابع هم سعی کنید واسطه ها کم باشد...از منابع معتبر از یک ماه ، دو ماه مانده
به محرم یا ماه رمضان شروع کنیم بحثهای قرآنی و اخلاقی وو دیگر این که سعی شود در هر جلسه تبلیغی یکی
دو مساله گفته شود(از مسائل احکام)

مرحوم انصاری قمی از روحانیون دهه چهل و پنجاه و ...بودند و نمایندگی از آقای بروجردی داشت برای کارهای
تبلیغی و منبرهای چندین هزار نفره داشته ..ایشان با این وجود مقید به گفتن مساله بوده و اصلا از رموز موفقیت

منبرهای او را یکی بیان مساله میدانستند، و دیگر روایت این که روایت می خوانده و زینت میداده مطالبش را با زیور قرآن و روایات...

به هر حال روایات متعدد که در باب مقام و منزلت روحانیون و مبلغین بیان شده یک زمانی سوال برایم بود که بر چه مبنایی است؟ آیا سواد او یا مساله دیگری؟ که به این نتیجه رسیدم که به دلیل موضوع «تبلیغ» و اهمیت آن است. انشا الله که خداوند همه ما را از مبلغان دینش قرار دهد، اگر قدری هم طولانی شد عذرخواهی می کنم... از بزرگوارانی که این فرصت را ایجا کردند تشکر می کنم.

الحمد لله رب العالمین